

## به خانه مرد رؤیاهایم که رسیدم...

سرگرد سمانه مهربانی

معاون اجتماعی

پلیس آگاهی پایتخت



یکی از روزهای شلوغ اداره فقدانهای پلیس آگاهی بود. دختری جوانی روبه‌روی افسر پرونده‌اش نشسته بود و وحشتزده به در ورودی نگاه می‌کرد. مشخص بود که از فکر ملاقات با والدینش مضطرب است. کنارش نشستم و گفتم نگران نباش. من مطمئنم از این‌که تو را صحیح و سالم اینجا می‌بینند خوشحال می‌شوند. دخترک لبخند تلخی زد و گفت: امیدوارم. گفتم می‌خواهی تا آمدن پدر و مادرت در مورد اتفاقاتی که این چند روز برایت افتاد صحبت کنیم؟

دخترک پذیرفت و گفت: من ۱۲ سال دارم و در یکی از استان‌های غربی زندگی می‌کنم. چند وقت پیش از طریق فضای مجازی با پسر جوانی در تهران آشنا شدم و خیلی زود به او دل بستم. او تشویقم کرد که فرار کنم و خودم را به تهران برسانم تا ازدواج کنیم. حرف‌هایش خیلی قشنگ بود. من اولین بار بود که با یک پسر صحبت می‌کردم و با خودم فکر کردم فرار تنها راه است و والدینم هیچ وقت اجازه نمی‌دهند من در این سن و سال ازدواج کنم. به همین دلیل یک روز بعد از تعطیلی مدرسه دیگر به خانه نرفتم و راهی ترمینال شدم. به تهران که رسیدم، منتظرم بود. در کمال تعجب دوباره با اتوبوس راهی یکی از شهرهای شرقی شدیم. آنجا بود که فهمیدم او در تهران در بازار میوه‌وتره‌بار کارگری می‌کند و خانواده‌اش ساکن استان دیگری هستند. او مرا به شهر خودش برد و همین که به خانه‌شان رسیدیم، با یک خانه مخروبه روبه‌رو شدم. ترسیدم و فوراً پشیمان شدم اما دیگر دیر شده بود و آنها اجازه ندادند، برگردم. تلفن همراهم را از من گرفتند تا نتوانم با خانواده‌ام تماس بگیرم و چندوقت در آنجا حبس بودم تا این‌که همکاران شما برای بردنم آمدند. از روبه‌رو شدن با والدینم هم می‌ترسم و هم خجالت می‌کشم. ما در کنار هم زندگی خوبی داشتیم و می‌دانم که اصلاً انتظار چنین رفتاری را از من نداشتند. خودم هم باورم نمی‌شود.

### نظریه کارشناس

سن بلوغ و نوجوانی حساس‌ترین مرحله رشد فرزند شماست. از یک سو گرایش‌ها و هیجانات نسبت به جنس مخالف در وجود او زنده شده و از طرفی از تجربه و پختگی در تصمیم‌گیری‌های او خبری نیست. این وظیفه شماست که پیش از گرفتاری فرزندان در ارتباطات اشتباه و آسیب‌زا به او بیاموزید این احساسات و گرایش‌ها تنها مرحله‌ای از رشد وی، در راستای تمرین نقش‌های بزرگسالی است و به هیچ‌عنوان نباید جدی گرفته شود. تا فرصت هست با گفت‌وگو و آگاه‌سازی، نوجوانان خود را در برابر آسیب‌های پیش‌رو واکسینه کنید.



## ناگفته‌های قتل دانشجوی دانشگاه تهران

از کوچه می‌گذشت ممکن بود انتخاب دزدان او یا فرد دیگری باشد. این فرضیه که قتل آمر داشته یا امیرمحمد از قبل توسط دزدان شناسایی شده را با توجه به مستندات و اعترافات متهمان رد می‌کنم. حتی آنها قبل از امیر محمد قصد سرقت از عابر دیگری داشتند که در آن سرقت موفق نمی‌شوند.

### ۴. متهمان سابقه دار بودند؟

متهمان تا قبل از قتل پسر دانشجو، ۳۰ فقره سرقت و زورگیری انجام داده بودند که به اعتراف خودشان در ۱۳ مورد از سلاح سرد برای تهدید مالباخته استفاده کرده بودند.

۵. بعد از بازسازی صحنه عکس شایعه‌ای در شبکه‌های اجتماعی پخش شد که متهمان از اتباع افغان هستند. این موضوع صحت داشت؟

هر دو متهم ایرانی هستند و برایشان پرونده شخصیت تشکیل شد و تمام اطلاعات مربوط به خودشان و خانواده و حتی میزان سواد آنها مشخص است.

### ۶. پرونده فقط همین دو متهم را دارد؟

پرونده ۵ متهم دارد که شامل قاتل و همدستش و سه نفر دیگر است که چاقو و موتورسیکلت را در اختیار آنها قرار داده بودند.

### ۷. متهمان با یک تماس دستگیر شدند؟

دستگیری متهم با یک کار اطلاعاتی از سوی فرماندهی انتظامی کشور بود و روی پرونده چیزی ثبت نشده که آیا کسی آنها را لو داده باشد.

### ۸. متهمان کجا دستگیر شدند؟

متهم ردیف دوم برای عیادت دوستش که هنگام سرقت با موتور دچار حادثه شده بود به بیمارستان رفته و آنجا دستگیر شد. متهم ردیف اول هم پیش از این سابقه کیفری و دستگیری داشته با ردیابی‌های پلیسی دستگیر شد.

### ۹. موبایل و لپ‌تاپ سرقتی تحویل اولیای دم شد؟

هر دو وسیله سرقتی در اختیار راکب موتورسیکلت بود. ما همان ابتدا از بازپرس خواستیم لپ‌تاپ و گوشی را تحویل دهند تا خانواده‌اش مالکیت لپ‌تاپ را تایید کنند. متهمان لپ‌تاپ را تحویل یک کافی‌نت داده

شامگاه ۲۴ بهمن سال گذشته یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های سرقت و قتل در پایتخت رقم خورد. قربانی این جنایت امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران بود. دانشجوی جوانی که در اولین روز کاری‌اش در حال بازگشت به خوابگاه بود اما در کوی جنت در دام دو زورگیر موتورسوار گرفتار شد و با ضربه چاقوی یکی از آنها جان خود را از دست داد. پس از وقوع این جنایت، با دستور قضایی پرونده به صورت ویژه در شعبه چهارم دادرسی جنایی تهران رسیدگی شد. خیلی زود دو متهم اصلی پرونده دستگیر و برایشان کیفرخواست صادر شد. متهمان در آخرین روزهای سال گذشته به صورت علنی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند. خیلی زود هم حکم مجازات متهمان صادر و به آنها ابلاغ شد. پس از گذشت سه ماه از این جنایت در گفت‌وگو با حمیدرضا حاجی اسفندیاری، وکیل اولیای دم ناگفته‌های این پرونده جنجالی را بررسی کردیم که در ادامه می‌خوانید.



مجموعه‌های گروه تپش

### ۱. به شامگاه ۲۴ بهمن سال گذشته برویم. آن شب چه اتفاقی در کوی جنت رخ داد؟

به عنوان اولین نفری که به اوراق و مستندات پرونده دسترسی پیدا کردم می‌گویم که بعد از قتل امیرمحمد یک موج رسانه‌ای ایجاد شد که فرضیات و ابهاماتی ایجاد کرد که خانواده به دنبال رفع ابهامات بودند. مهم‌ترین مستند داخل پرونده، فیلم دوربین مداربسته بود. فیلمی که در فضای مجازی منتشر شد متعلق به زمانی است که درگیری انجام شده و پسر دانشجو در حال بیرون آمدن از خیابان جنت و ورود به خیابان جلال آل احمد است. لحظه زورگیری و درگیری با پسر دانشجو از سوی دوربین‌های مداربسته داخل کوی، کامل ضبط شده و با همکاری بازپرس جنایی تهران، توانستم فیلم‌ها را به صورت کامل ببینم. در این فیلم دو موتور سوار متهمان پرونده با تهدید چاقو، کوله و گوشی تلفن همراه امیر محمد را سرقت کردند. یکی از آنها با چاقو به پسر دانشجو ضربه زده بود.

### ۲. در فیلم‌ها چه صحنه‌ای ضبط شده بود؟

در جرایم زورگیری اولین اقدام بزه دیده حفظ جان‌ش است. امیرمحمد خالقی یک دانشجوی نخبه و تراز اول بود. در دوربین‌ها زمانی که امیر محمد وارد کوچه می‌شود، بلافاصله آنها داخل کوچه می‌شوند. در اولین مواجهه امیرمحمد می‌فهمد آنها نیت شوم دارند و برای آزار و اذیت یا سرقت آمده‌اند. او براساس رفتار طبیعی شروع به فرار و دویدن می‌کند. در حین فرار کوله از روی دوش پسر دانشجو می‌افتد. احمد ترک نشین موتور پیاده و کوله را بر می‌دارد و موتور سوار او را تعقیب و می‌گیرد. این تصاویر را یک دوربین به مدت یک دقیقه ضبط کرده است.

متهمان پس از دستگیری مدعی شدند فقط قصد سرقت گوشی را داشتند اما مقاومت امیرمحمد باعث قتلش شد.

آنها ادعا کردند به دنبال پسر دانشجو رفتیم تا موبایلش را سرقت کنیم. شروع درگیری از اینجا اتفاق افتاد که آنها موبایل را می‌خواهند. امیر محمد به دزدان می‌گوید که کیف لپ‌تاپ را به من بدهید اطلاعات مهمی دارم تا موبایل را به شما بدهم. دزدان چاقوی دولبه با تیغه ۱۰ سانتی‌را از زیر لباس بیرون می‌آورند. کل درگیری یک دقیقه و ۳۰ ثانیه طول کشیده و به گفته احمد، راکب به او می‌گوید زود باش بزن تا برویم که دو ضربه به پیکر مرحوم وارد می‌کنند. فاصله امیر محمد با در خوابگاه دو دقیقه بود، شاید اگر با موتور او را تعقیب نمی‌کردند، بعد از افتادن کوله او به خوابگاه می‌رسید و زنده می‌ماند.

### ۳. سارقان از قبل کوچه جنت را برای دزدی انتخاب کرده بودند؟

راکب موتور در جلسه رسیدگی مدعی شد کوی جنت به علت تاریکی و تردد کم برای زورگیری و سرقت جای مناسبی است. دو متهم آن شب در محل قرار، یکدیگر را دیده و به سمت کوی جنت حرکت می‌کنند تا جرم را مرتکب شوند. موضوع شناسایی پیش از جنایت منتفی است. سارقان در چند مرحله بازجویی شده و اظهاراتشان ثبت شد. هر دو در بازجویی‌های جداگانه اعلام کردند که پس از ورود به کوی جنت، امیرمحمد خالقی را در حالی که کوله روی دوشش بود، می‌بینند. امیر متهم ردیف دوم به همدستش می‌گوید این پسر دانشجو است و داخل کوله روی دوشش لپ‌تاپ دارد و همین باعث می‌شود او را به عنوان طعمه سرقت انتخاب کنند. اگر کسی همان زمان